تابناک

دوشنبه ۱۶ شهریور ماه ۱۳۹۴ | ۲۳ ذی‌القعده ۱۴۳۶ | ۷ سپتامبر ۲۰۱۵ | | اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۱۲ | اذان ظهر ۱۳:۰۳ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۴ | اذان مغرب: ۱۹:۴۲ |

سوت پایان

بیا بیا که مرا با تو ماجرایی هست
بگوی اگر گنهی رفت و گر خطایی هست...
هزار نوبت اگر خاطرم بشورانی
از این طرف که منم همچنان صفایی هست...
(شیخ اجلِ سعدی شیرازی، قرن هفتم، غزلیات)

از آن‌همه دیروز / بازخوانی تاریخ

عبید زاکانیِ کاریکاتور ایران

اردشیر محصص ۱۸ شهریور ۱۳۱۷ در رشت به دنیا آمد. ۳ ساله بود که به همراه برادر بزرگ‌ترش به تماشای سریال مشهور «بلای جان نازی‌ها» رفت، زمانی که از سینما برگشت در منزل از او درباره داستان فیلم سوالاتی کردند و چون نمی‌توانست ماجرای فیلم را شرح دهد آنچه را دیده بود روی کاغذ طراحی کرد. این اولین طراحی محصص بود و آغاز راهی که بعدها او را به یکی از مشهورترین طراحان ایران و جهان مبدل ساخت.

زمانی که احمد شاملو سردبیری کتاب هفته را برعهده گرفت، طرح‌های اردشیر را برای چاپ پذیرفت و نامش به عنوان طراحی صاحب‌سبک ثبت شد. بعد از تعطیلی کتاب هفته، طرح‌های محصص به رغم تلخ بودن مضامین آنها در این روزنامه چاپ می‌شد. بسیاری از آثار او تم سیاسی و اجتماعی دارند. سیروس طاهباز در سال ۱۳۵۰ نخستین مجموعه طرح‌های محصص را با عنوان کاکتوس چاپ کرد. محصص به‌آثار استاینبرگ علاقه خاصی داشت و طنز در آثار بروگل، گویا، دومیه، انسور، پیکاسو، شاگال، یونسکو، بکت و فلینی را می‌ستود. هم‌اکنون مجموعه‌ای از آثار وی در کتابخانه ملی آمریکا نگهداری می‌شود. تا دو سال پیش از درگذشتش در ایران خبری از محصص نبود تا آنکه تعدادی از آثارش برای اولین بار بعد از انقلاب در تهران به نمایش گذاشته شد. بازگشت هنرمند به ایران با طرح‌هایش، بار دیگر فضای هنری کشور را تحت تاثیر قرار داد و خاطرات گذشته زنده شد. احمد شاملو درباره هنر محصص می‌نویسد: «اگر قلم عبید چاقوی جراحی است، قلم اردشیر نیز چنین است...». اردشیر محصص ۱۸ مهر ۱۳۸۷ رخ در نقاب خاک کشید.

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

من فکر می‌کنم، پس سینما وجود دارد

کتاب «سینما و فلسفه» نوشته ژولیت سرف روانه بازار نشر شد

کتاب «سینما و فلسفه» نوشته ژولیت سرف، روزنامه‌نگار فرانسوی، با ترجمه عظیم جابری از سوی نشر افراز منتشر شد. نویسنده در این کتاب به بررسی ارتباط میان سینما و فلسفه پرداخته و به یک سوال مهم پاسخ می‌دهد که فلسفه تا چه میزان دستمایه اقتباس سینمایی قرار گرفته است.

نویسنده در این کتاب به بررسی ارتباط میان فلسفه و سینما و همچنین فیلم‌سازان متفکر و اندیشمندانی که وارد حوزه نظری سینما شده‌اند، پرداخته است. یکی از مباحث مهم کتاب این است که در قیاس با ادبیات، فلسفه تا چه میزان دستمایه اقتباس سینمایی بوده است؟ نویسنده در راستای این فصل به معرفی و تحلیل فیلم‌هایی می‌پردازد که کتاب‌های فلسفی را تداعی می‌کنند.

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول شامل سه فصل است. فصل اول کتاب با عنوان «فلسفه و تصاویرش» با این پرسش آغاز می‌شود که «افلاطون می‌توانست هنر هفتم را ابداع کند؟» نویسنده پس از طرح این پرسش می‌نویسد: «تمثیل غار به شکلی شگفت‌انگیز گویی سینما را ترسیم می‌کند. این افسانه مادر در فلسفه، مردانی را به تصویر می‌کشد که از زمان کودکی‌شان در یک غار زندانی شده‌اند؛ در غل و زنجیر مجبورند مقابلشان را نگاه کنند بی آنکه بتوانند سر را بگردانند. در پشت‌سرشان آتشی می‌سوزد و چند عروسک‌گردان از آنجا اشیای مختلفی را تکان می‌دهند که سایه‌هاشان تحت‌تأثیر شعله‌ها بر روی دیوار جلویی می‌افتد. زندانیان که از دنیا بی‌خبرند این تصاویر را به‌جای واقعیت می‌گیرند.» در ادامه این فصل نیز به دیدگاه‌های والتر بنیامین، زیگفرید کراکوئر، هانری برگسون و گی ارنست دوبور ـ فیلسوف معاصر فرانسوی که ۶ فیلم ساخته است ـ درباره سینما پرداخته شده است. به طور کل موضوع اصلی فصل اول کتاب دشواری‌های پیوند مستقیم میان فلسفه و سینماست. فصل دوم کتاب با عنوان «هنگامی که سینما فلسفه‌بافی می‌کند» با شرح دیدگاه‌های آندره بازن، منتقد شهیر فرانسوی آغاز شده و بعد به ارتباط فلسفه و سینما در فیلم‌های آلفرد هیچکاک، روبرتو روسلینی، آندره گدار، اریک رومر و... پرداخته می‌شود.

«فلاسفه سینمای خودشان را می‌سازند» عنوان فصل سوم کتاب «سینما و فلسفه» است. بخش دوم کتاب نیز به «متن‌ها، اسناد، شهادت‌ها، تحلیل سکانس‌ها» اختصاص دارد. در بخشی از مقدمه این کتاب آمده است: «افلاطون با نشان دادن افسانه غار، بی آن که خود بداند ارتباطی میان سینما و فلسفه به دست می‌دهد که گدار آن را به‌شکلی آمرانه چنین بیان می‌کند: «من فکر می‌کنم، پس سینما وجود دارد.» با این حال سینماگر تصاویر و صداهایی کاملاً مادی می‌سازد، درحالی که فیلسوف از مفاهیمی ناپیدا و انتزاعی استفاده می‌کند. زمانی که سینما در اواخر قرن ۱۹ متولد می‌شود آن را به‌عنوان سرگرمی‌ای عامیانه در نظر می‌گیرند و فلاسفه هرگز به آن توجهی نشان نمی‌دهند. چگونه این دو حوزه نامتجانس، یکی هنر جوانِ حرکت، دیگری معرفت مفهومیِ اجدادی، سرانجام به‌هم می‌رسند؟ این چیزی است که ژولیت سِرف به سبک یک «کمدی ازدواج مجدد» که مورد علاقه استنلی کاوَل بود برایمان حکایت می‌کند. زمان ناسازگاری‌ها به‌سر آمده، موعد سازش‌های دوباره فرارسیده است.» تصویر روی جلد کتاب نیز نمایی از فیلم «مهر هفتم» اثر مشهور اینگمار برگمان، فیلمساز شهیر و اثرگذار سوئدی است.

«اخلاق، قانون و سیاست» نوشته آرتور شوپنهاور دیگر کتابی است که با ترجمه عظیم جابری فرصت نشر پیدا کرد.

سینما و فلسفه
مولف: ژولیت سرف
مترجم: عظیم جابری
نشر افراز
شمارگان: هزار و ۱۰۰ نسخه
قیمت: ۹ هزار و ۹۰۰ تومان
۱۲۸ صفحه

خودزنی / محیط زیست

ایران؛ پیشتاز عرصه بیابان‌زایی

سالانه ۲ میلیارد متر مکعب فرسایش خاک در ایران رخ می‌دهد. این رقم ۷.۶ درصد فرسایش کل خاک در جهان را شامل می‌شود. بر همین اساس فرسایش خاک در ایران ۳ برابر آسیاست.

آرمان رسیدن به خودکفایی در تولید غذا و امنیت غذایی تهدیدی شد تا ایران یکی از هفت کشور آسیایی باشد که بیشترین میزان هدررفت خاک را دارد. فرسایش خاک یکی از تهدیدهای جدی است که نه تنها خاک که آب را هم نابود می‌کند.

افزایش آمار فرسایش خاک منجر به تصویب لایحه‌ای شد که در آن آلودگی و تخریب و مصادیق آن و همچنین آلوده‌کننده و تخریب‌کننده خاک و نحوه برخورد قانونی با آنها تعیین و موضوع آموزش حفاظت خاک و فرهنگ‌سازی در این‌باره و نقش سازمان‌های متولی نیز مورد نظر قرار گیرد. براساس مطالعات اولیه انجام شده و نیز طرح تهیه اطلس آلاینده‌های خاک در ۱۱ استان کشور بیش از صدها نقطه آلوده در خاک‌های کشور وجود داشته که به آلاینده‌های مختلف از جمله فلزات سنگین، آلاینده‌های نفتی، سموم و... آلوده بوده و محیط زیست و سلامت مردم را به شدت تهدید می‌کند که رفع آلودگی‌ها علاوه بر زمان طولانی هزینه گزافی را هم طلب می‌کند.

در حال حاضر، میزان فرسایش خاک در ایران، حدود ۱۶.۷ تن در هکتار است که با شاخص جهانی پنج تا شش تن در هکتار، فاصله بسیار زیادی دارد تا ایران جزو یکی از هفت کشور آسیایی باشد که بیشترین میزان هدررفت خاک را دارد.

از بین رفتن دشت‌ها و جنگل‌ها و فعالیت‌هایی مانند سدسازی‌های بی‌رویه عوامل اصلی فرسایش خاک هستند. در نتیجه آن تخریب مراتع و جنگل‌ها و محیط زیست، کاهش کمی و کیفی پوشش گیاهی، فرسایش خاک و رسوب، کاهش ذخایر آب زیرزمینی نیز شده است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس به همین منظور پایش مستمر و دقیق منابع خاک با توجه به حساسیت‌های آن و تهدید فشارهای طبیعی و انسانی بسیار حائز اهمیت است. بر اثر بی‌توجهی به قابلیت‌های خاک، کاهش کیفیت آب، تولید گازهای گلخانه‌ای، گرم شدن تدریجی هوا، فقر، سوءتغذیه، گرسنگی و مشکلات اقتصادی از پیامدهای طبیعی و متوالی آن است. ایران یکی از هفت کشور آسیایی است که بیشترین میزان هدررفت خاک را دارد. ۲۰ درصد کاهش قابلیت تولید محصول نیز یکی دیگر از پیامدهای اتلاف منابع خاک در کشور به شمار می‌آید.

سالانه ۲ میلیارد متر مکعب فرسایش خاک در ایران رخ می‌دهد. این رقم ۷.۶ درصد فرسایش کل خاک در جهان را شامل می‌شود. در ایران سالانه ۱۵ تا ۲۵ تن در هکتار فرسایش خاک وجود دارد. در حالی که متوسط جهانی ۲.۵ تن در هکتار است. به همین دلیل در ایران توسعه بیابان در شمار ۵ کشور نخست جهان قرار دارد. همچنین روزانه ۴۰ هکتار اراضی جنگلی تخریب و به بیابان تبدیل می‌شود. در نتیجه، فرسایش خاک در ایران سالانه به ۱۶.۵ تن در هکتار می‌رسد.

تلفیق این واقعیت‌های طبیعی به همراه تاثیرات عوامل انسانی نظیر الگوهای نامناسب کشت، فشار زیاد چرای مراتع، تغییر کاربری جنگل‌ها و بهره‌برداری ناپایدار از سفره‌های آب زیرزمینی سبب شده تا سطح وسیعی از اراضی کشور تحت تاثیر پدیده بیابان زایی باشد. فرسایش آبی و بادی بخشی از ویژگی‌های ذاتی اقلیم ایران است و متاسفانه اقدامات انسانی سبب تشدید این فرسایش شده است.

گردش روزگار برعکس است

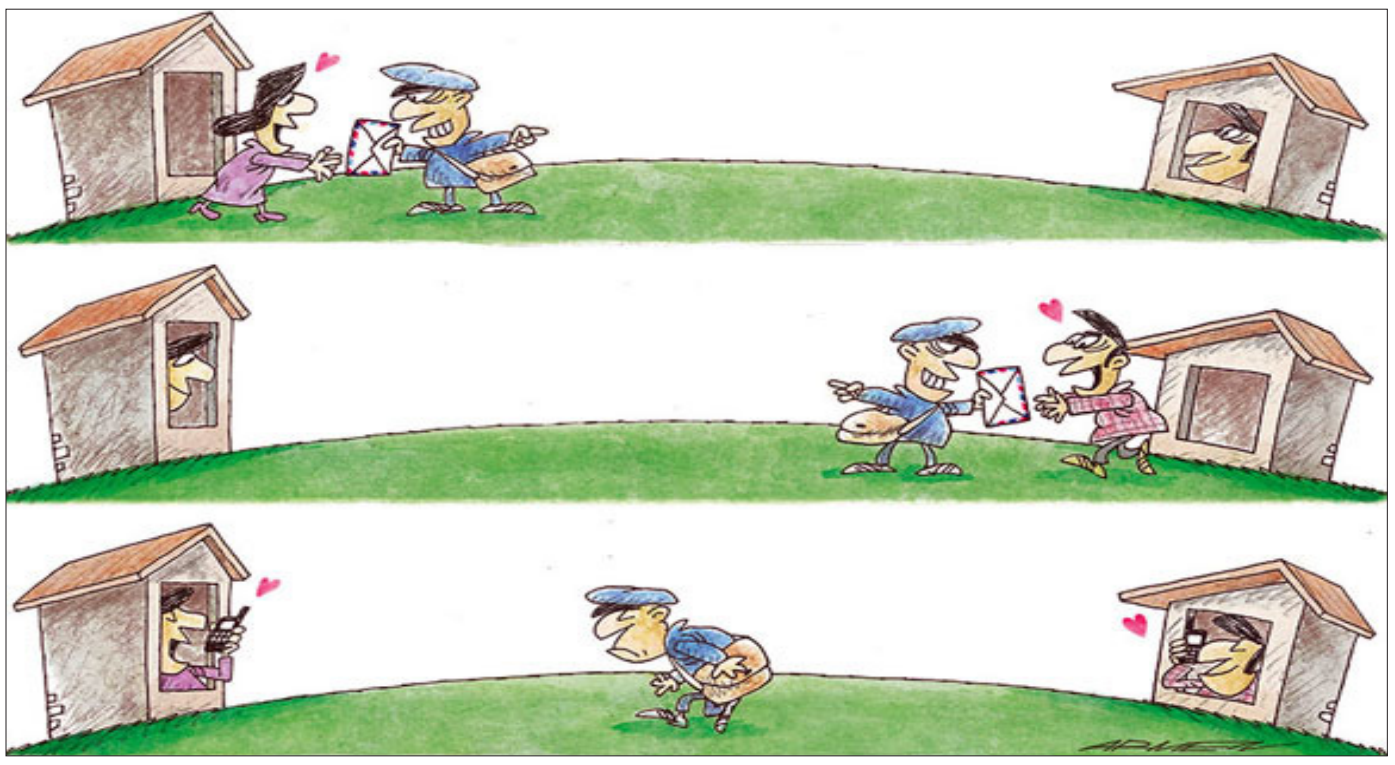

... نامه مجنون به حضور لیلی / می‌رسه اینترنتی و ایمیلی / تو کوچه‌های غربی صناعت / عشقو گرفتن از شما جماعت!... (ابوالفضل زرویی نصرآباد)

با کاروان حله / اخبار هنر

آیا مجیدی دست پر بازخواهد گشت؟

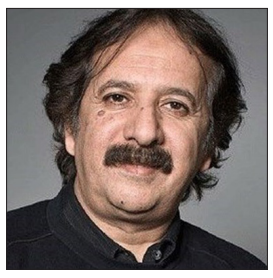

مجید مجیدی که امسال با فیلم «محمد رسول‌الله» در جشنواره مونترال حضور دارد پیش از این ۳ بار توانسته است جایزه بهترین فیلم این جشنواره را از آن خود کند. چیزی تا انتخاب آثار برتر در جشنواره مونترال باقی نمانده است؛ جشنواره‌ای که امسال برای افتتاحیه خود فیلم «محمد رسول‌الله» جدیدترین ساخته مجید مجیدی را انتخاب کرد. سینمای ایران همواره دستاوردهای بسیاری در عرصه بین‌المللی داشته است. در کنار نام‌هایی چون عباس کیارستمی، امیر نادری، ناصر تقوایی، رخشان بنی‌اعتماد و... نام مجیدی نیز به عنوان کارگردانی که بارها آثارش در جشنواره‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته به چشم می‌خورد. سال ۱۹۹۷ مجیدی برای «بچه‌های آسمان» جایزه بهترین فیلم را از این فستیوال دریافت کرد. او این موفقیت را دو سال بعد با فیلم «رنگ خدا» در همین جشنواره تکرار کرد و یک سال بعد در سال ۲۰۰۰ مریم شهریار توانست جایزه بهترین فیلم اول را برای فیلم «دختران خورشید» از آن خود کند. سال ۲۰۰۱ مجیدی این بار برای فیلم «باران» توانست جایزه بهترین فیلم را بگیرد و سال بعد لیلا حاتمی برای بازی در فیلم «ایستگاه متروک» جایزه بهترین بازیگر زن این جشنواره را از آن خود کرد. سال ۲۰۰۹ محسن امیریوسفی برای فیلم «آتشکار» در بخش اصلی توانست جایزه نوآوری را از آن خود کند. آخرین موفقیت سینمای ایران در این جشنواره به فاطمه معتمدآریا تعلق دارد. این بازیگر برای بازی در فیلم «اینجا بدون من» جایزه بهترین بازیگر زن را در سال ۲۰۱۱ از آن خود کرد.

غوغایی که «استیو جابز» به پا کرد

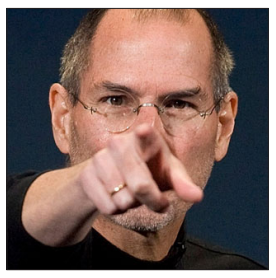

درست همانند روزهایی که استیو جابز مشهور با شیوه خاص خودش با معرفی یک محصول جدید تحسین همگان را برمی‌انگیخت، نمایش فیلم زندگی او نیز موجی از تحسین و تشویق میان نشریات به راه انداخت. نمایش زندگی‌نامه «استیو جابز» یکی از بنیان‌گذاران شرکت اپل، نظر مثبت منتقدان را به خود جلب کرد، تا حدی که آنها مایکل فاسبندر بازیگر نقش اول این فیلم را یکی از متحمل‌ترین گزینه‌های دریافت اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد می‌دانند. منتقد نشریه ورایتی درباره این فیلم نوشت: «مایکل فاسبندر، دنی بویل کارگردان فیلم و نویسنده فیلم‌نامه آرون سورکین، فیلمی درخشان، هوشمند و درخور شخصیت جابز ساخته‌اند.» او در ادامه با تمجید از بازی فوق‌العاده مایکل فاسبندر او را کاندید اصلی دریافت اسکار دانست. نشریه هالیوود ریپورتر نیز نظر مثبتی درباره فیلم داشت و این فیلم را یکی از فیلم‌های فصل پاییز دانست که بی‌شک اولویت اول تماشاگران فهیم سینما خواهد بود. نیویورک‌تایمز نیز در وبلاگ خود از واکنش گرم تماشاگران هنگام نمایش فیلم در جشنواره فیلم تلورايد خبر داد. نشریه گاردین نقد پیچیده‌تری از فیلم ارائه کرد و «استیو جابز» را بهترین فیلم بویل طی سالیان اخیر دانست و از درخشش فاسبندر در فیلم نوشت. البته گاردین با تائید نمایش غیراحساسی جابز، انتقاداتی در مورد نحوه ارائه ستایش‌گونه داستان زندگی جابز داشت. این فیلم ۹ اکتبر ۲۰۱۵ کار اکران خود را آغاز خواهد کرد و علاوه بر آن در جشنواره فیلم نیویورک هم به نمایش گذاشته خواهد شد.

فارسی را پاس بداریم

بهاء این کتاب یا بهای این کتاب؟

یادش به خیر! روزی روزگاری در سال‌هایی نه چندان دور در اداره‌ای نیمه‌دولتی مشغول به کار بودم. در آن اداره، رئیس بنده و همکارانم میان من و آچار فرانسه هیچ تفاوتی قائل نبودند. در کنار کار پژوهشی و اجرایی و بانکی و غیره و ذلک، یکی از وظایف معمولم ویرایش نامه‌های اداری بود.

رئیس بنده که مردی بود محترم و محتشم، نمی‌دانم چرا از سر عادت، واژه «بها» را «بهاء» می‌نوشت. بیش از صد بار پیش آمد که با ادب و احترام، همزه را از پایان واژه حذف کنم اما رئیس محترم نمی‌دانم چرا حذف همزه را به حساب عربی‌ستیزی من می‌گذاشت و از آنجا که زبان عربی را جلوه‌ای از جلوه‌های اسلام می‌دانست، همزه را با اصرار و الحاح به پایان واژه بها می‌چسباند.

یک روز که دیدم توضیحات شفاهی‌ام در رفع این غلط نگارشی کارگر نمی‌افتد، آنچه را که ابوالحسن نجفی در کتاب غلط ننویسیم ذیل مدخل «بها/بهاء» آورده است، در نامه‌ای خطاب به ایشان نوشتم و روی میزشان گذاشتم: «بها واژه فارسی و به معنای قیمت است و در پایان همزه ندارد. بنابراین نباید گفت: «بهاء این کتاب هزار ریال است.» اما بهاء، با همزهٔ پایانی، کلمهٔ عربی و به معنای «فروغ و روشنایی» است و برای اینکه با بهای فارسی اشتباه نشود بهتر است که همزهٔ پایانی آن در نوشتن حفظ شود».

البته آن نامه اداری موثر واقع نشد و رئیس بنده ـ لااقل تا وقتی من در آن اداره مشغول به کار بودم ـ بها را بهاء می‌نوشت.

حالا که بحث به اینجا رسید بگذارید ببینیم استاد نجفی در ادامه درباره بها چه گفته است: «بها به معنای «قیمت» است و بها دادن یعنی «قیمت را پرداختن». بنابراین اگر گفته شود: «در جامعهٔ ما به مصرف انرژی بها داده نشده است» معنایی جز این نمی‌دهد که «مصرف انرژی برای جامعهٔ ما مفت تمام شده است» یا چه بسا «افراد جامعهٔ ما بهای انرژی مصرفی خود را نپرداخته‌اند». اما غرض گوینده فقط این بوده است که «در جامعهٔ ما به مصرف انرژی اهمیت کافی نداده‌اند».

بها دادن در فارسی هرگز به معنای «اهمیت دادن» نبوده است. جمله‌هایی مانند «ما به تکامل تاریخی بشر بها می‌دهیم» و «نباید به سخن این یاوه‌گویان بها داد» که این روزها فراوان شنیده می‌شود تقریبا بی‌معنی است. در سال‌های اخیر ترکیبات غلط دیگری نیز از روی بها دادن ساخته‌اند، مانند «پربها دادن» و «کم بها دادن». مثلا می‌گویند: «هنرمندان به ابداع و ابتکار پر بها می‌دهند». برای بیان این معنی در فارسی معادل‌های فراوانی بوده و هست و همیشه می‌توان آنها را به کار برد، مانند ارزش نهادن، ارج گذاشتن، اهمیت دادن، اعتبار قائل شدن، مهم شمردن، قدر شناختن، وقع نهادن و جز اینها.

در متون کهن وزن نهادن نیز به همین معنی به کار رفته است: «از آن زندگانی که در فراق دوستان گذرد چه لذت توان یافت؟ و کدام خردمند آن را وزنی نهاده است و از عمر شمرده؟»